

پیشگفتار

انسان با محیط زیست خود در ارتباط متقابل است؛ بدین معنی که از یک سو، ادامه حیات انسان مستلزم بهره‌مندی از منابع و موهبت‌های محیط زیست است و از سوی دیگر، سبک و نحوه زندگی انسان نیز بر محیط زیست او تأثیر می‌گذارد. این ارتباط متقابل می‌تواند سازنده یا مخرب باشد. متأسفانه، پارادایم زندگی غربی که در سه دهه اخیر نضج گرفته و گسترش یافته است، شیوه زندگی بشر را به سمت هجمه بر طبیعت و تخریب محیط زیست سوق داده است. همه‌روزه گزارش‌های متعددی از لطمه‌ها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری که افراد بشر به محیط زیست وارد می‌کنند در جهان منتشر می‌شود. توجه یک‌سویه به رشد اقتصادی در اغلب کشورهای جهان، موجب اضمحلال منابع طبیعی شده و بسیار فراتر از آستانه تحمل طبیعت، به آن صدمه زده است. دخالت‌های بی‌رویه و نسنجیده بشر نظم حاکم بر اکوسیستم را مختل کرده است. تخریب طبیعت برای پاسخگویی به حرص پایان‌ناپذیر و عطش سیرناشدنی مصرف، پسماندها و ضایعاتی بر طبیعت تحمیل می‌کند که بیش از حد تحمل و ظرفیت آن است و قانونمندیهای آن را به بازی می‌گیرد. اگرچه طبیعت در درون خود آنتروپیهای منفی ایجاد می‌کند تا با اخلاالگران در آن به مبارزه برخیزد، فشار تخریب و سرعت و عمق ویرانی به حدی است که قواعد بازی نادیده گرفته می‌شود و نظام برنامه‌ریزی شده طبیعت از پاسخگویی به آن عاجز می‌ماند.

رفتارهای بشر اغلب، با اصول پایداری در تناقض است. ادامه این رفتارها آثار ناخواسته فراوانی را بر اکوسیستمها وارد می‌کند و زندگی نسلهای فردا را به مخاطره می‌اندازد. رهبران و مدیران جهان باید با اکتساب آگاهی از واقعیت‌های تلخ محیط زیستی، و بسط و تعمیق آن آگاهیها در بطن جوامع، به مدیریت صحیح منابع پردازند و بر عطش پایان‌ناپذیر مصرف مهار زنند و تاراج منابع محدود طبیعت را متوقف کنند. در این زمینه لازم است سیاستهای راهبردی چندمنظوره‌ای اتخاذ شوند تا با اجرای آنها از انهدام طبیعت جلوگیری شود و از طریق نیروهای کمکی و تزریق نیروی محرکه مورد نیاز، طبیعت احیا و بازسازی شود.

تهیه و تنظیم این کتاب، تلاشی در جهت ایجاد این آگاهی است. کتاب حاضر

شامل یازده مقاله است. مقاله اول با عنوان «توسعه پایدار و اصل آهنین منافع شخصی» پس از طرح تعریفی از توسعه پایدار، آن را با توسعه متداول مقایسه می‌کند و نمونه‌هایی از جریانهای خطرآفرین برای محیط‌زیست را مطرح می‌نماید. در ادامه به تأثیر اصل آهنین منافع شخصی در بهره‌ستانی جهانیان از منابع موجود در طبیعت اشاره می‌شود و پیشنهادهایی برای تغییر در شیوه زندگی افراد به منظور دستیابی به توسعه پایدار مطرح می‌گردد.

مقاله دوم به بسط مفهومی توسعه پایدار می‌پردازد. تعریف پایداری و اصول توسعه پایدار، تفکیک پارادایم رشد از پارادایم پایداری، تبیین دو مقوله پایداری درونی و پایداری بیرونی بر اساس تئوری سیستمها و در نهایت، تفسیر موسع از توسعه پایدار در این مقاله مطرح می‌شوند.

در مقاله سوم، چالشهای جدید رشته مدیریت دولتی به بحث گذارده می‌شود و درباره پارادایم جدید در حال ظهور که گذار از مدیریت توسعه به سمت مدیریت توسعه پایدار است، توضیحاتی ارائه می‌شود.

مقاله چهارم با عنوان «حسابداری زیست‌محیطی پیش‌نیاز توسعه پایدار» به مطالبی درباره اکولوژی و قواعد کلی آن، رویکردهای بررسی اکولوژی، اصول حاکم بر سیستمهای اکولوژیکی و جایگاه انسانها در بیوسفر می‌پردازد. در این مقاله، تنوع زیستی و انقراض انواع گونه‌های زیستی نیز مورد بحث قرار می‌گیرد.

عنوان مقاله پنجم «حکومت‌داری پایدار ضرورتی برای توسعه پایدار» است. در این مقاله حکومت‌داری خوب با حکومت‌داری پایدار مقایسه و برخی از مدل‌های مطرح برای دستیابی به حکومت‌داری پایدار مطرح می‌گردد.

کشاورزی پایدار یکی از شاخه‌های اساسی در توسعه پایدار است. در مقاله ششم با عنوان «مدیریت توسعه کشاورزی پایدار»، کشاورزی تجاری یا صنعتی با کشاورزی پایدار مقایسه و درباره سطوح کشاورزی پایدار یعنی سطح واحد بهره‌برداری، سطح روستا، سطح حوزه، سطح استان و سطح ملی و همچنین اقداماتی که در جهت پایداری آنها باید انجام شود توضیحاتی ارائه می‌گردد.

مقاله بعدی به مسئله پایداری در کشاورزی ایران اختصاص دارد و پس از طرح مطالب و آمارهایی از واقعیتهای موجود در کشاورزی ایران، به یافته‌های حاصل از موردپژوهی در دشت هراز و ناپایداری در آن، در صورت ادامه وضعیت فعلی اشاره می‌شود. مقاله هشتم به نقش زنان در توسعه پایدار می‌پردازد. زنان در سراسر جهان نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در اداره امور خانه و جامعه برعهده دارند و برای تسریع روند تغییر در

شیوه‌های کنونی زندگی و تحقق هدفهای توسعه پایدار می‌توانند مسئولیت مهمی را بر دوش گیرند. در این مقاله نمونه‌ای از فعالیتهای زنان در حمایت از محیط زیست ارائه می‌گردد و پس از طرح موضوع ارتباط فقر زنان با تخریب محیط زیست، به ضرورت امحاء فقر به‌عنوان مسئولیت مشترک همه کشورهای جهان اشاره می‌شود. در ادامه، نظام خانواده و اجزای آن بررسی می‌شوند و برخی از مفاهیم سیستمی که در ارتباط با نظام خانواده و محیط زیست، کاربرد می‌یابند مطرح می‌گردند.

«توسعه پایدار و حکمرانی محلی مطلوب»، عنوان مقاله نهم است. در این مقاله بر اهمیت مشارکت نظام‌یافته شبکه‌ای از عوامل و بازیگران محلی در حکمرانی محلی تأکید می‌شود و به ضرورت توزیع عادلانه قدرت میان شبکه‌ای از سازمانهای محلی وابسته به بخش دولتی، بخش خصوصی و تشکلهای مدنی اشاره می‌گردد.

در مقاله دهم، چالشهای توسعه پایدار از منظر اکوتوریسم بررسی می‌شود. اکوتوریسم پایدار توریسمی است که نیازهای توریستی زمان حال و جوامع میزبان را برآورده می‌کند و در عین حال، فرصتها را برای نسلهای آینده بسط و گسترش می‌دهد و هم‌زمان با حفظ ارزشهای فرهنگی، فرایندهای اکولوژیکی، تنوع زیستی و نظامهای پشتیبان حیات، به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی نیز پاسخ می‌دهد. در این مقاله به اصول اکوتوریسم پایدار، گرایشهای جدید در صنعت توریسم و ارتباط انواع توریسم با پایداری اشاره می‌شود و الگوی اکوتوریسم پایدار با تأکید بر اخلاق و پایداری ارائه می‌گردد.

مقاله یازدهم به نقش ارکان نظام آموزشی در گسترش فرهنگ و تحقق توسعه پایدار اختصاص دارد. در این مقاله پس از توصیف ارکان نظام آموزشی، نحوه تعامل ارکان مذکور با یکدیگر بررسی و پیشنهادهایی برای حرکت در مسیر توسعه پایدار ارائه می‌گردد.

لازم است از همکاریهای صمیمانه آقایان دکتر غلامعلی نجفی، دکتر حسن دانایی‌فرد، دکتر حبیب‌الله سالارزهی و آقای حبیب ابراهیم‌پور و نیز از زحمات کارکنان محترم سازمان «سمت» قدردانی کنم.

انتقادات، راهنماییها و پیشنهادهای اصلاحی را مغتنم می‌شم. سعی خواهد شد در چاپهای آینده برای بالابردن کیفیت کتاب از این پیشنهادها استفاده شود.